

نگاهی به شفابخشی قرآن کریم

حجت الاسلام والمسلمین محمد علی محمدی*

مقدمه

در چند آیه، قرآن به عنوان «شفا» معرفی شده است؛ از جمله در سوره اسراء می فرماید: «وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»^۱ و از قرآن آنچه شفا و رحمت است، برای مؤمنان نازل می کنیم و ستمگران را جز خسران (وزیان) نمی افزاید. در آیه ۵۷ سوره یونس نیز می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است و درمانی برای آنچه در قلب هاست و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان». در آیه ۴۴ سوره فصلت و ۱۴ سوره توبه نیز به شفا بودن قرآن اشاره شده است، اما قرآن کریم چه دردهایی را درمان می کند؟ دانستن این مطلب برای همه مسلمانان بسیار سودمند، درس آموز و راهنماست. واژه «شفا» (به کسر حرف شین) به معنی صحت و سلامت است. شفاء، یعنی از بیماری خوب شدن^۲ و نقطه مقابل آن، بیماری است. بیماری به انواع مختلف جسمی، روحی، فردی، اجتماعی و... تقسیم می شود؛ بر این اساس مقصود از شفا، عام است که شامل همه دردهای جسمی و روحی می شود. این نوشتار می کوشد شفابخشی قرآن را در دو حوزه جسمی و روحی تبیین نماید.

درمان بیماری جسمی

هدف اصلی نزول قرآن کریم، هدایت و تربیت معنوی افراد و جامعه و رساندن آدمی به

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. اسراء: ۸۲.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۵۹؛ سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۵۸.

کمال است و نباید شأن قرآن را در حد یک کتاب طبی و بهداشتی فروکاست. بنا بر روایات، بررسی‌های دقیق علمی و تجربه‌های فراوان یکی از آثار قرائت قرآن، تبرک و عمل به این کتاب الهی، درمان بیماری‌های جسمی و روحی است؛ چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «وقتی برای چشم یکی از شما عارضه (بیماری) رخ داد، آیه‌الکرسی را بخواند و در دل بداند که خدا او را شفای می‌دهد. به درستی که ان‌شاءالله خدا او را شفا می‌بخشد».^۱ در روایتی نیز نقل شده است: امام حسین علیه السلام مریض شد. حضرت زهراء علیها السلام او را در آغوش گرفت و به خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: «یا رسول‌الله! از خدا بخواه فرزندت را شفا دهد». پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «دخترم! به درستی که خدایی که او را به تو عطا کرده است، قادر است او را شفا دهد». جبرئیل نازل شد و گفت: «یا محمد! ... پیاله‌ای از آب بگیر و سوره حمد را چهل بار در آن بخوان؛ سپس آن را بر او پاش که خدا او را شفا می‌دهد». حضرت همین کار را کرد و امام حسین علیه السلام به فرمان خدا شفا یافت.^۲ از همین روست که برخی عالمان دینی برای تحمل درد قرآن می‌خواندند. نقل است:

مرحوم آیت‌الله العظمی سید احمد خوانساری بیماری زخم معده داشتند که احتیاج به عمل جراحی داشت، اما ایشان سالخورده و از لحاظ جسمی ناتوان بودند و تحمل جراحی بدون بیهوشی نیز ممکن نبود. پیش از آنکه عمل جراحی آغاز شود، ایشان اجازه بیهوش کردن را به پزشکان ندادند (چون به نظر ایشان در صورت بیهوشی، تقلید مقلدین‌شان دچار اشکال می‌شد) و به پزشکان معالج فرمودند: «هر گاه من مشغول قرائت سوره مبارکه انعام شدم، شما مشغول عمل جراحی شوید. من توجهم به قرآن است و در این صورت هیچ مشکلی پیش نمی‌آید (یعنی ایشان آنچنان به قرآن توجه پیدا می‌کنند که احساس درد نخواهند کرد). همان‌طور هم شد و مقارن اتمام عمل جراحی، قرائت سوره انعام نیز به آخر رسید.^۳

کلام نغز و روح‌افزای قرآن	بخوان آیات بس زیبای قرآن
سپس اندیشه در معنای قرآن	سحرگاهان تلاوت کن به اخلاص
همین بس شاهد گویای قرآن	بخوان این معجزه و آنکه بیندیش

۱. سید مهدی حجازی و همکاران، درر الاخبار، ص ۶۳۴.

۲. همان، ص ۶۳۷.

۳. سید نعمت‌الله حسینی، مردان علم در میدان عمل، ج ۴، ص ۱۸۸ و ۱۸۹.

شفای آنچه درد است و مصائب بجوی از مکتب والای قرآن
هدایت آفرین است و سعادت اطاعت گر کنی فتوای قرآن^۱

البته غیر از موارد معجزات که بسیار محدود است،^۲ در سایر موارد کسی نباید برای درمان بیماری به جای مراجعه به پزشک، تنها در گوشه‌ای بنشیند و قرآن و دعا بخواند؛ زیرا خدا در آیات قرآن برای درمان بیماری‌های جسمی دو راهکار اساسی بیان داشته است که شامل درمان از طریق اسباب ظاهری و اسباب باطنی است. در درمان بیماری‌های جسمی نیز نباید تنها به اسباب ظاهری اکتفا کرد؛ زیرا اسباب معنوی نیز یکی از راه‌های مهم درمان جسمی و روحی محسوب می‌شود. بنابراین در درمان هم از اسباب ظاهری و هم از اسباب باطنی می‌توان استفاده نمود؛ چرا که خداوند در اسباب ظاهری نیز شفا قرار داد است. برای مثال در درمان حضرت یونس علیه السلام از دو اسباب ظاهری و باطنی استفاده شده است؛ زیرا همراه با دعا و توبه و استغفار ایشان که در قالب ذکر یونس^۳ بیان شده است، خداوند از طریق کدو بیماری ظاهری و پوستی ایشان را درمان کرد.^۴ در روایات اسلامی نیز این نکته مورد توجه خاص قرار گرفته است. بنابراین نباید گمان کرد که اسباب مادی مانند پزشک و دارو تنها موجب درمان است؛ بلکه این اراده و مشیت الهی است که درمان را در اسباب ظاهری برای انسان قرار داده است.

درمان بیماری‌های روحی

بی‌تردید قرآن، نسخه شفابخش درد روحی و اخلاقی است؛ همان دردی که امروزه برخی انسان‌ها به آن گرفتارند؛ یعنی برخی آرامش روحی و روانی ندارند و استرس تمام وجود آنان را فراگرفته است. برخی نیز گرفتار بیماری‌های اخلاقی و اعتقادی هستند. قرآن نقش بنیادی در درمان این مشکل دارد؛ یعنی تلاوت و عمل به قرآن، به انسان آرامش می‌دهد؛ چنانکه برخی روانشناسان با تحقیق در آیات قرآن به یافته‌های ذیل دست یافته‌اند:

۱. مداومت بر قرائت قرآن، نقش مؤثری در رویارویی با اضطراب دارد. فهم قرآن نیز در مقابله با اضطراب مؤثر است.^۵

۱. فصلنامه حصون، «فاقرواً ما تیسر من القرآن»، ص ۱۱۲.

۲. «گاه خدا بدون اسباب ظاهری به عنوان معجزه خاص مرده‌ای را زنده می‌کند یا بیمار لاعلاجی را شفا می‌بخشد و...؛ چنانکه معجزات حضرت عیسی علیه السلام اینگونه بود». ر.ک: آل عمران: ۴۹.

۳. ر.ک: انبیا: ۸۷ و ۸۸.

۴. ر.ک: صافات: ۱۴۶ - ۱۳۹.

۵. ر.ک: جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات اولین همایش نقش دین در بهداشت روان، ص ۸۸.

۲. نتیجه تحقیقی بر ۶۰ دختر جوان، گویای آن است که رویارویی میزان اضطراب و گرایش به افسردگی در گروهی که طی ۶ ماه روزانه حداقل نیم‌ساعت به قرائت قرآن می‌پرداختند، به‌طور چشمگیری کمتر از دیگران است.^۱

۳. در تحقیقی که میان ۱۰۰ نفر از دانش‌آموزان انجام شد، ثابت گردید که قرائت قرآن بر کاهش استراس آنان اثرگذار بود.

۴. بنا بر پژوهش انجام گرفته میان ده‌ها نفر از بیماران دیالیزی، کیفیت دیالیز هنگام شنیدن صوت قرآن بهبود می‌یابد.

۵. با شنیدن صوت قرآن، شدت درد زایمان زنان باردار کاهش می‌یابد.^۲

بیماری‌های روحی، انواع مختلفی دارد که به شفابخشی قرآن در بیماری‌های اخلاقی و اعتقادی اشاره می‌شود.

۱. درمان بیماری‌های اخلاقی

ممکن است انسان از نظر جسمی سالم، و از نظر روحی و اخلاقی بیمار باشد؛ برای مثال عقده روانی داشته باشد یا متکبر باشد. برای درمان فرد متکبر نمی‌توان از داروخانه دارویی تهیه کرد تا تکبیرش به تواضع تبدیل شود. همچنین نمی‌توان با تزریق آمپول یا مصرف قرص انسان قسّ القلب را به انسان عطف، مهربان و با شفقت و رحمت مبدل نمود. معالجه بیماری‌های اخلاقی راه دیگری دارد.^۳ قرآن درباره بیماری روحی فرموده است: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا»^۴ در دل‌های آنان يك نوع بیماری است. خداوند بر بیماری آنان افزود». در آیه دیگری نیز از قرآن به عنوان شفا یاد شده است که ناظر به درمان روحی و اخلاقی است: «وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ».^۵ در تفسیر این آیه شریفه آمده است: «منظور از شفا دادن بیماری دل‌ها و یا به تعبیر قرآن، شفای چیزی که در سینه‌هاست؛ همان آلودگی‌های معنوی و روحانی است، مانند بخل و کینه و حسد و جبن و شرک و نفاق و امثال این‌ها که همه از بیماری‌های روحی و معنوی است».^۶

۱. همان، ص ۷۹.

۲. ر.ک: فریده محسن‌زاده و منیر السادات حسینی، «تأثیر قرآن در درمان بیماری‌ها، مروری بر مطالعات»، نشریه اسلام و سلامت، ص ۲۵.

۳. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۳، ص ۱۰۲.

۴. بقره: ۱۰.

۵. یونس: ۵۷.

۶. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۱۸.

قرآن برای همه کسانی که می‌خواهند با کبر، غرور، حسد، نفاق و سایر بیماری‌های اخلاقی مبارزه کنند، نسخه شفابخش است؛ برای مثال حسد نمونه‌ای از بیماری‌های اخلاقی است. آدم حسود هنگامی که خیر و نعمتی را در دیگران می‌بیند، آرزو دارد که آن نعمت برای او شود. این در حالی است که انسان سالم به آن نعمت غطبه می‌خورد و از خدا می‌خواهد که آن نعمت به او نیز داده شود. قرآن برای ریشه‌کن کردن این بیماری، توصیه‌های مهمی را در چند مرحله ارائه نموده است. در مرحله اول، ۱۴ اثر از آثار حسد را بازگو کرده است.^۱ شناختن آثار حسد می‌تواند موجب ریشه‌کن شدن این بیماری خطرناک شود. در مرحله دوم درخواست از فضل خدا، بهره‌مندی از عطایای الهی^۲ و توجه به حکمت و علم خدا در برتری‌ها و تفاوت‌ها را راه نجات از حسادت دانسته و فرموده است: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ...»^۳ برتری‌هایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده، آرزو نکنید (این تفاوت‌های طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شما و بر طبق عدالت است).^۴

بی‌توجهی به این درمان قرآن و چشم داشتن به آنچه خداوند به دیگران عنایت کرده و حسادت نسبت به آن، موجب می‌شود آدمی گرفتار گردابی شود که دنیا و آخرتش را تباہ کند. فرد حسود گاهی به مرحله‌ای می‌رسد که حاضر است صد درصد به خود صدمه بزند تا شاید پنجاه درصد به دیگری صدمه وارد شود؛^۵ چنانکه نقل است:

در زمان یکی از خلفا، مرد ثروتمندی غلامی را خرید. او با غلامش بهترین رفتار را داشت تا آنجا که حاضر شد به شرطی او را آزاد کند و سرمایه نقدی بسیاری نیز به او بدهد. غلام گفت: «هر چه تو بگویی، اطاعت می‌کنم. تو ولی نعمت من هستی و به من حیات دادی». مرد گفت: «نه، باید قول قطعی بدهی». وقتی غلام قول داد، ارباب گفت: «شرط من این است که در نیمه‌شب و پشت بام همسایه، سر مرا ببری». غلام با تعجب پرسید: «چرا؟». ارباب گفت:

۱. برخی از این آثار عبارتند از: اختلاف در دین، اعراض از ایمان به پیامبر اعظم ﷺ، انکار حق، زمینه‌سازی حسد برای بروز دشمنی شیاطین با انسان، توطئه، دروغ، شرّ آفرینی، ظلم، قتل، کفر، ندامت و ... ر.ک: اکبر هاشمی رفسنجانی و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، فرهنگ قرآن، ج ۱۰، ص ۵۵۴.

۲. نساء: ۳۲.

۳. همان.

۴. برخی از مفسران گفته‌اند: خداوند اول مؤمنان را از تعرض به اموال دیگران به واسطه اعضا و جوارح نهی کرد و سپس در «لَا تَتَمَنَّوْا...» آنان را از تعرض به اموال دیگران به واسطه قلب و از روی حسد منع‌شان نمود. محمود بن عبدالله آلوسی، روح المعانی، ج ۴، ص ۲۸.

۵. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۳، ص ۱۰۴.

«چون این همسایه در همه چیز از من پیش افتاده است. من در آتش حسد می‌سوزم، می‌خواهم قتلی به پای او بیفتد و او را زندانی کنند». غلام پذیرفت و سر ارباب را برید. سرمایه نقدی را هم برداشت و رفت. خبر در همه جا پیچید. آن مرد همسایه را به زندان بردند، ولی همه می‌گفتند اگر او قاتل باشد، روی پشت‌بام خانه خودش این کار را نمی‌کند؛ پس قضیه چیست؟ در این میان وجدان غلام او را راحت نگذاشت، پیش حکومت وقت رفت و حقیقت را گفت. قاضی نیز غلام و همسایه مقتول را آزاد کرد.^۱

دستورات شفابخش اخلاقی

قرآن دستورهای شفابخش بسیاری برای درمان بیماری‌های اخلاقی دارد که برخی از آنها عبارتند از:

۱. دعوت به صبر^۲ و اثر آن در کاهش فشارهای روانی؛
۲. دعوت به توکل به خدا^۳ و نقش آن در آرامش انسان؛
۳. دعوت به یاد خدا^۴ و آرامش دل؛
۴. دعوت به عبادات به‌ویژه نماز و روزه؛^۵

۲. درمان بیماری‌های اعتقادی

مهم‌ترین بخش از شفابخشی قرآن، درمان بیماری‌های اعتقادی است. نزول قرآن در مرحله اول برای درمان این دسته از بیماری‌هاست تا مردم از شرک و کفر و تاریکی به توحید و اسلام و روشنایی هدایت شوند؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَانِكُمْ وَ اسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَأْوَانِكُمْ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ النَّفَاقُ وَ الْغِي وَ الصَّلَالُ»^۶ پس درمان خود را از قرآن بخواهید و در سختی‌ها از قرآن یاری بطلبید که در قرآن، درمان بزرگ‌ترین بیماری‌ها یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی است.»

قرآن نیز در آیات متعددی هدفش را خروج بشر از ظلمت کفر به نور ایمان، از تاریکی

۱. همان، ص ۱۰۵.

۲. بقره: ۱۵۳ و ۱۵۵، آل‌عمران: ۲۰۰.

۳. احزاب: ۳، آل‌عمران: ۱۵۹.

۴. اسراء: ۲۴، بقره: ۸۳.

۵. بقره: ۴۵، طه: ۱۴.

۶. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۶.

بت پرستی به نور خداپرستی و از سیاهی پیروی طاغوت به سپیدی همراهی با ولایت معرفی کرده و فرموده است: «هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ إِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ»^۱ او کسی است که آیات روشنی بر بنده اش [محمد] نازل می کند تا شما را از تاریکی ها به سوی نور برد و خداوند نسبت به شما مهربان و رحیم است». بنا بر نظر مفسران، منظور از تاریکی ها در این آیه، ظلمت کفر و منظور از نور، ایمان است که قرآن کریم به توفیق الهی و هدایت و لطف او و دلیل ها،^۲ انسان را از قعر جهنم به قرب الهی می رساند؛ همان قرآنی که پرده های ظلمت کفر و ضلالت و نادانی را می برد و آفتاب ایمان و آگاهی را در درون جان انسان طالع می کند.^۳ مولای متقیان، علی علیه السلام در توصیف مؤمنان بانقوا و شفابخشی قرآن فرموده است:

أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَفْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلاً يُحَرِّتُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَ يَسْتَشِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا إِلَيْهَا طَمَعًا وَ تَطَلَّعَتْ نُفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا وَ ظَنُّوا أَنَّهَا نُصِبَ أَعْيُنِهِمْ وَ إِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ أَصْغَوْا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ وَ ظَنُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَ شَهيقَهَا فِي أَصُولِ آذَانِهِمْ؛^۴ پرهیزکاران در شب بر پا ایستاده مشغول نمازند، قرآن را جزء جزء و با تفکر و اندیشه می خوانند، با قرآن جان خود را محزون و داروی درد خود را می یابند. وقتی به آیه ای برسند که تشویقی در آن است، با شوق و طمع بهشت به آن روی آورند و با جان پر شوق در آن خیره شوند و گمان می برند که نعمت های بهشت برابر دیدگان شان قرار دارد و هر گاه به آیه ای می رسند که ترس از خدا در آن باشد، گوش دل به آن می سپارند و گویا صدای برهم خوردن شعله های آتش در گوش شان طنین افکن است.

نقش قرآن در درمان بیماری های اعتقادی را می توان در این داستان مشاهده کرد:

مُصْعَبُ بْنُ عَمِيرٍ بَنَّا بِهٖ دِرْخَوَاسْتِ اسْعَدِ بْنِ زُرَّارِهِ، اَزْ سَوِيِّ پِيَامِبِرِ اَكْرَمِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِهٖ مَدِيْنَهٗ اَعْرَازِمُ شَدِيْدَةٌ. اِيْنِ دَوْنِ نَفَرٍ تَصْمِيْمِ كَرَفْتِنْدِ كِهٖ سِرَانَ يَثْرِبَ رَا اَزْ رَاهِ مَنْطِقَ بِهٖ اِسْلَامِ دَعْوَتِ كِنْتِنْدِ. رَوْزِيْ وَارِدِ بَاغِي شَدِنْدِ كِهٖ جَمْعِيْ اَزْ مُسْلِمَانَانَ دَرِ اَنْجَا بُوْدِنْدِ. دَرِ اَنْ مِيَّانِ سَعْدِ بْنِ مَعَاذِ وَ اُسَيْدِ بْنِ

۱. حدید: ۹.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۴۹؛ ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۳۱۸.

۳. همان.

۴. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

حضیر که از سران قبیله بنی‌عبدالله بودند، حضور داشتند. سعد بن معاذ به اُسید گفت: «شمشیر خود را از نیام بیرون آور و به سوی این دو نفر برو و به آن‌ها بگو از تبلیغ اسلام دست بردارند و با سخنان و بیانات خود، ساده‌لوحان ما را گول نزنند. از آنجا که اسعد بن زراره، پسرخاله من است؛ من از آن شرم دارم که خودم با شمشیر برهنه با او رویه‌رو گردم. اُسید با صورت افروخته و شمشیر برهنه سر راه دو نفر را گرفت و سخنان فوق را با لحن شدیدی ادا کرد. مصعب بن عمیر به اُسید گفت: «ممکن است لحظه‌ای بنشینم و با هم گفتگو کنیم؟ هر گاه موافق طبع و میل شما نباشد، ما از همان راهی که آمده‌ایم، بر می‌گردیم». اُسید گفت: «سخن از روی انصاف گفتی» و لحظه‌ای چند نشست و شمشیر خود را غلاف کرد. مُصعب آیاتی از قرآن کریم را تلاوت نمود. حقایق نورانی قرآن و جذابیت و شیرینی آن و قدرت منطقی مصعب، او را به زانو درآورد؛ از خود بی‌اختیار شد و گفت: «راه مسلمان شدن چیست؟». آن دو گفتند: «به یکتایی خدا گواهی می‌دهید، بدن و جامه خود را در آب می‌شوید و نماز می‌گذارید». اُسید در حوض آبی که در آن نقطه بود، غسل کرد و جامه خود را شست و در حالی که شهادتین را زمزمه می‌کرد، به سوی سعد برگشت و جریان را تشریح کرد. سعد بن معاذ در حالی که خشم سراسر بدن او را فراگرفته بود، بلند شد که این دو نفر را از کار تبلیغ بازدارد و خون آن‌ها را بریزد. وی نیز در برابر منطق قوی و محکم مصعب به زانو درآمد، در برابر آن‌ها انگشت ندامت از تصمیمی که گرفته بود، به دندان گرفت و در همان نقطه غسل کرد و جامه را آب کشید. سپس به سوی قوم برگشت و به آن‌ها گفت: «من در میان شما چه موقعیتی دارم؟». گفتند: «تو سرور و رئیس قبیله ما هستی». او گفت: «من با هیچ فردی از زن و مرد قبیله سخن نخواهم گفت، مگر اینکه به آیین اسلام بگردد». مدتی نگذشت که تمام قبیله پیش از آنکه حتی رسول خدا ﷺ را ببینند، اسلام آوردند و از مدافعان آیین توحید شدند.^۱

فهرست منابع

کتاب

قرآن کریم

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

۱. موسی کریمی، «داستان قرآنی، تأثیرات شگرف قرآن کریم»، مجله بشارت، ص ۴۱.

نگاهی به شفابخشی قرآن کریم ■ ۲۰۳

۲. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات اولین همایش نقش دین در بهداشت روان، چاپ اول، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۸۲ ش.
۳. حجازی، سید مهدی، سید علی‌رضا حجازی و محمد عیدی خسروشاهی، درر الأخبار، چاپ اول، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۴. حسینی، سید نعمت‌الله، مردان علم در میدان عمل، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، بیروت - دمشق: دارالعلم - الدارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۶. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح فضل‌الله یزدی طباطبایی؛ چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۸. قرشی، سید علی‌اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۶ ش.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، فرهنگ قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.

نشریات

۱. ذوقی طالقانی، عبدالغفور، «فأقروا ما تیسر من القرآن»، نشریه حصون، شماره ۲۵، مرداد و شهریور ۱۳۸۹، ص ۱۱۳ و ۱۱۲.
۲. کریمی‌نیا، موسی، «داستان قرآنی، تأثیرات شگرف قرآن کریم»، نشریه بشارت، شماره ۸۱، بهمن و اسفند ۱۳۸۹، ص ۴۰ و ۴۱.
۳. محسن‌زاده لداری، فریده و منیرالسادات حسینی طبقدھی، «تأثیر قرآن در درمان بیماری‌ها: مروری بر مطالعات»، نشریه اسلام و سلامت، دوره ۳، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵، ص ۲۸-۲۲.